

خوانندگان

رازی

گفتند اگر این مبلغ را دریافت کنید، به تعزیرات معرفی می شوید. پس باید در حال حاضر با سرعت و دقت با قانون گذاران رایزنی کنیم تا هر چه زودتر از پایه قوانین مربوط به داروخانه اصلاح شود برای اخذ هر مبلغی غیر از حق فنی، قانونی باید در کمیته تعیین تعرفه استانداری در هر استان مصوب شود، در غیر این صورت تعزیرات و بیمه ها شدیداً فشار می آورند. به نظر من این سوال مطرح می شود وقتی ضرایب را از کتاب ارزش نسبی خارج و به آن استناد می کنید و آن را قاطع و دقیق بیان می کنید، آیا با همان دقت کتاب نگاه می شود که در چه بستری تدوین شده؟ آیا این روش گزینشی نیست؟!.....

کتاب ارزش نسبی!!!

جناب آقای دکتر ابراهیمی به بهانه عدم وجود حق بسته بندی در آیین نامه جدید، مطلبی در مورد کتاب ارزش نسبی نگاشته اند که بسیار جالب توجه و قابل تامل است. نامه ایشان را با هم می خوانیم: "..... در آیین نامه قبلی دارو خانه ها به حق بسته بندی اشاره و راهی را برای دریافت مبلغی تحت عنوان مکانیزاسیون و بسته بندی باز گذاشته بود و در خیلی از استان ها انجمن آن استان این مبلغ را مصوب کردند و تا مدتی دریافت می کردند ولی آیین نامه که تغییر کرد و به حق بسته بندی هیچ اشاره ای نشده و اولین مدعی که پیدا شد بیمه ها بودند و

آیا داروساز در نظام آمریکایی دارای جایگاهی فقیرانه است، آیا مارژین متعلقه به اندازه ایران است؟ آیا میزان درآمد یک مسؤول فنی یا یک موسس با اینجا مقایسه شده است که گفته شود کاهای داده شده مطلق است و هیچ نرخ دیگری نباید اضافه شود. آیا سیستم بیمه ای و وزارت بهداشت در آنجا هم به همین آشفتگی و با همین کسری بودجه عمل می کند؟ اصلا در آنجا کسی جرات دارد پاسخگو نباشد؟ حال برای درک بهتر باید همه موضوعها را روی میز گذاشت و تصمیم جامع گرفت. برای مثال، دولت به کارمندان و برقراری سیستم اداریش از بیت المال بودجه تصویب می کند و خرج می کند..... به عناوین مختلف پولی را باید پرداخت کنید، کارت ملی و تغییر آن، شناسنامه و تغییر آن، می رود خلافی بگیرید می بینید به شما اطلاع رسانی نشده حالا باید دوبرابر پرداخت کنید. برای گرفتن وام باید دفتر ثبت اسناد بروید، دفترهای دادگستری برای بار اول ۱۰ هزار تومان سپس برای هر کپی دو هزار تومان دریافت می کنند تا هویت شما تأیید شود، به این موضوعها فکر کرده اید؟

در این که حق ما داروسازان ضایع می شود شکی نیست و ما در حداقل مبلغی هم که باید دریافت کنیم در جا می زنیم چون هنوز متاسفانه، برای گرفتن این حق هیچ راهکار قانونی تعبیه نشده است.

صورت مساله مشخص می باشد ولی راه حل نامشخص! پس تا زمانی که به طور ریشه ای این مشکل حل بشود، باید به دنبال راهکارها و تعاملاتی بود که با کمترین هزینه بتوانیم به حقمان برسیم.

این ریشه تا کجا باید برود و راهکار چیست؟ آیا با تضاد های درونی می توان ریشه ها را عمق داد؟ آیا با نگاه دولتی می توان مشکلات بخش خصوصی را ترمیم کرد؟ آیا با بودجه بندی سود کالای سلامت محور را با شیوه ای که سازمان غذا و دارو تدوین کرده است می شود بهبودی داد؟ آیا با ترجمه سلیقه ای کتاب ارزش نسبی می توان منتظر ماند؟ آیا اعتراضی به حاشیه سود با همان منظر اتاق بازرگانی سود کلی فروش تا خرده فروشی که معاونت غذا و دارو از واردکننده، تولید کننده، توزیع کننده و در نهایت، داروخانه دستوری اعلام کرده، شده است؟ چطور ممکن است در خصوص یک کالا برای مثال وارد کننده 3 ± 15 درصد (برای جمعیت ۸۰ میلیونی)، تولید کننده 3 ± 17 درصد (جمعیت ۸۰ میلیونی)، توزیع کننده کشوری با حاشیه ۱۲ درصد کار کند اما داروخانه که صرفا برای یک منطقه بسیار کوچک بنا به آمار جمعیت ۵ تا ۱۰ هزار نفری با همان مشغله و دست و پا گیرتر با اختلاف شاید ۲ تا ۳ درصد سود کار کند! این می شود که این آئین نامه ها نقش پول شویی پیدا کرده و پول هایی را مبارک می کنند. حسابداری و اقتصاد خیلی با هم متفاوت هستند، در حسابداری از اعداد و ارقام و تراز صحبت می شود در اقتصاد از فهم و درک تاثیر اعداد صحبت می شود، و حسابداری پلی بین این دو می باشد...."